

۱۳۹۶/۰۶/۲۶

موضوع: مباحثی پیرامون شبهه وهابیت در قرآن کریم

برنامه حبل المتین

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

عرض سلام و ادب و احترام بر شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبهه جهانی ولایت». شما خوبانی که پای گیرنده خود نشستید و برنامه «حبل المتین» را ملاحظه می فرمایید.

در خدمت کارشناس عزیز و ارجمند این برنامه حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی هستیم. به نیابت از شما عرض سلام و ادب و احترام خدمت حضرت استاد دارم. سلام علیکم و رحمة الله.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی که در هرکجای این گیتی پهناور بیننده این برنامه هستید و ما را مهمان کانون گرم و باصفای خانواده خود قرار دادند، خالصانه ترین سلامها را همراه با آرزوی موفقیت بیش از پیش تقدیم می کنم.

خدا را به آبروی حضرت محمد و آل محمد به ویژه امیرالمؤمنین که این ایام متعلق به آن بزرگوار است سوگند می دهم فرج مولای ما بقية الله الأعظم را نزدیک بگرداند، ما و شما گرامیان را از یاران خاص آن بزرگوار و از سربازان فداکار آن حضرت قرار بدهد. خیر دنیا و آخرت به ما ارزانی بدارد، شر دنیا و آخرت را از ما دور کند، دغدغه های فکری ما را برطرف سازد و دعاها را به اجابت مقرون کند؛ ان شاء الله.

ان شاء الله. حضرت استاد از شما ممنونم. بینندگان عزیز و ارجمندی که با ما همراه هستند روال و روش برنامه‌های ما را می‌دانند. ما دوست داریم سؤال و شبهه‌ای در ذهن شما عزیزان باقی نماند و نسبت به سؤالات شما با صداقت کامل پاسخگو باشیم.

اگر شبهه و مسئله دینی در مورد اسلام و مکتب تشیع و اهل بیت (علیهم السلام) در ذهن شما هست، آن سؤال را مطرح کنید. پاسخ را تقدیم حضور شما کنیم تا شما به راحتی بتوانید با استفاده از آن پاسخ و یادگیری روش پاسخگویی به سؤالات و شبهات، از اسلام و مکتب اهل بیت به خوبی دفاع کنید.

قبل از اینکه سؤالاتی که در یک موضوع مد نظرم هست از حضرت استاد بپرسم، نکته‌ای را مطرح می‌کنم. برخی از وهابیت و سلفیون در فضای مجازی گاهی مسائلی را مطرح می‌کنند و احساس می‌کنند که شق القمر کرده‌اند و نسبت به اهل بیت مطالب جدیدی کشف کرده‌اند!

حضرت استاد! آن‌ها سؤال جدیدی را مطرح کردند و من دوست داشتم از محضر شما بپرسم و از فرصتی که بنده مجری برنامه هستم استفاده کنم. در خصوص آیه مباهله که قضایا بسیار واضح و شفاف است و شما هم حق مطلب را خوب به جا آوردید و در این خصوص مفصل بحث فرمودید، بحث تحریفاتی که این‌ها داشتند، شأن نزول آیه چه بوده است، نظر علما و مفسرین اهل سنت را بیان کردید.

وهابیت سؤال و شبهه‌ای را مطرح کردند که شاید برای بسیاری از بینندگان عزیز واقعاً سؤال نباشد، اما به این مسئله می‌پردازیم تا قضایا روشن و شفاف شود.

وهابیت ادعا کردند اگر (وَ أَنْفُسَنَا) که در آیه مباهله هست، نفس نبی گرامی اسلام حضرت امیرالمؤمنین را بدانیم، در جاهای دیگر هم در قرآن کریم بحث نفس آمده است که در این صورت هم باید بگوییم که مراد امیرالمؤمنین است. اگر لطف کنید در مورد این سؤال و شبهه توضیحاتی بفرمایید ممنونیم.

موضوع: شبهه وهابیت در مورد کلمه (أَنْفُس) آیه مباهله

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله أفوض أمري إلى الله إن الله بصير بالعباد حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير رب أدخلني مدخل صدق و أخرجني مخرج صدق و اجعلني من لدنك سلطانا نصيرا

من خدمت عزیزان عرض کرده باشم که در این ایام غدیر نایب الزیاره همه بینندگان عزیز به ویژه ولایت یاوران گرامی در حرم حضرت امیرالمؤمنین و حرم امام حسین و حضرت قمر بنی هاشم (سلام الله علیهم) بودیم و از همه بینندگان عزیز و دست اندرکاران «شبکه جهانی ولایت» یاد کردیم. همچنین در استانبول روز بعد از غدیر برنامه مفصلی بود که در آنجا باز هم یاد و ذکری از بینندگان عزیز «شبکه جهانی ولایت» داشتیم.

جناب آقای حسینی بزرگوار به شبهه‌ای اشاره کردند. اتفاقاً زمانی که در ترکیه بودم و داشتم فضای مجازی را ملاحظه می‌کردم، مشاهده کردم که این شبهه به طور مفصل در فضاها و کانال‌های مختلف مطرح شده است.

این آیه، آیه ۶۱ سوره مبارکه آل عمران هست که آیه مباحله است. ما در خصوص این آیه مفصل صحبت کردیم و به آن اشاره هم خواهیم کرد. نبی گرامی اسلام پس از آنکه احتجاجاتی کرد و ادله‌ای بر حقانیت خود و اسلام آورد آن‌ها زیر بار نرفتند.

خداوند عالم فرمود: بیایید مباحله کنید. فرزندانمان با فرزندان شما و زنانمان با زنان شما و نفس ما و نفس شما و جان شما و جان ما با هم مباحله کنیم و لعنت را بر کذابین بفرستیم.

در اینجا کاملاً مشخص است؛ (أُنْبَاءَنَا)، (نِسَاءَنَا) و (أَنْفُسَنَا) فردی خودی خودی است، نفس و جان پیغمبر اکرم است. ما به شأن نزول آیه هم اشاره خواهیم کرد. وهابیت ادعا کردند که اگر چنین باشد، در سوره مبارکه توبه هم وارد شده است:

(لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ)

رسولی از خود شما به سویتان آمد.

سوره توبه (۹): آیه ۱۲۸

آیا در این آیه شریفه (مِنْ أَنْفُسِكُمْ) امیرالمؤمنین است؟! همچنین در آیه دیگری وارد شده است:

(وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا)

و خداوند برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد.

سوره نحل (۱۶): آیه ۷۲

کارشناسان وهابی در ادامه ادعا کردند که بینندگان عزیز تعقل و تدبر کنید و بساطی به راه انداختند.

اولاً بنده در جواب این آقایان می‌گویم که کلمه (أَنْفُسِ) در قرآن کریم بیش از هفتاد مرتبه به بیان‌های مختلف از جمله

(مِنْ أَنْفُسِكُمْ)، (لِأَنْفُسِكُمْ)، (وَ أَنْفُسِكُمْ) تکرار شده است. در موارد متعدد (أَنْفُسِ) به معنای جان و خود آمده است.

چطور شد هفتاد و چند مورد را کنار گذاشتند و به این مورد دقت کردند؟! (لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ). قرار نیست

که پیغمبر اکرم از جنس ملک باشد. این قضیه در رابطه با بحث نبی گرامی اسلام است که بخواهد برای هر قومی

پیغمبری بفرستد از نوع آن‌ها می‌فرستد.

مشاهده کنید مراد از آیه شریفه:

(إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ)

اگر نیکی کنید بخودتان نیکی می‌کنید.

سوره اسراء (۱۷): آیه ۷

چیست؟! آیا مراد از (لِأَنْفُسِكُمْ) در این آیه شریفه غیر از خود و جانتان است؟! همچنین در آیه دیگری وارد شده است:

(سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ)

به زودی نشانه‌های خود را در اطراف جهان و در درون جانشان به آن‌ها نشان می‌دهیم.

سوره فصلت (۴۱): آیه ۵۳

یکی از نشانه‌های تدبر و تحقیق و رسیدن به الله، ذات و نفس انسان است.

(تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ)

به خدا و رسول او ایمان بیاورید و در راه خداوند با اموال و جان‌هایتان جهاد کنید.

سوره صف (۶۱): آیه ۱۱

در اینجا (أَنْفُسِكُمْ) به چه معناست؟! همچنین در آیه دیگر وارد شده است:

(فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِأَنْفُسِكُمْ)

بنا بر این تا آنجا که در توان دارید تقوای الهی پیشه کنید، و گوش دهید و اطاعت نمائید و انفاق کنید که برای شما بهتر است.

سوره تغابن (۶۴): آیه ۱۶

همچنین آیه دیگر می‌فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها است نگاه دارید.

سوره تحریم (۶۶): آیه ۶

(وَمَا تَقْدُمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا)

و (بدانید) آنچه را از کارهای خیر برای خود از پیش می‌فرستید نزد خدا به بهترین وجه و بزرگ‌ترین پاداش خواهید یافت.

سوره مزمل (۷۳): آیه ۲۰

:و

(وَ مَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ)

جز خودشان را فریب نمی‌دهند (اما) نمی‌فهمند.

سوره بقره (۲): آیه ۹

:و

(أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ)

آیا مردم را به نیکی دعوت می‌کنید، اما خودتان را فراموش می‌نمائید.

سوره بقره (۲): آیه ۴۴

در تمام این موارد کلمه (أَنْفُسُ) و نفس به معنای جان آمده است.

(يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلِ)

ای قوم شما با انتخاب گوساله به خود ستم کردید.

سوره بقره (۲): آیه ۵۴

:و

(وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ)

بلکه به خود ستم می‌نمودند!

مشاهده کنید (أَنْفُسُ) در تمام این موارد به معنای خود و نفس آمده است. در آیه مباحثه هم به قرینه این آیات (أَنْفُسُ) به معنای جان و خود رسول گرامی اسلام است. مهم‌تر اینکه در کتاب «صحیح مسلم» وارد شده است:

«وَلَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ (فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ) دَعَا رَسُولُ اللَّهِ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَحَسَنًا وَحُسَيْنًا فَقَالَ اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلِي»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۴، ص ۱۸۷۱، ح ۲۴۰۴

آقای «ابن کثیر دمشقی» شاگرد «ابن تیمیه حرانی» متوفای ۷۷۴ هجری در کتاب «تفسیر القرآن العظیم» روایتی در این زمینه بیان کرده است. گفتنی است علمای اهل سنت معتقدند این کتاب تفسیر یکی از بهترین تفاسیری است که در تاریخ اسلام نوشته شده است.

«فغدا رسول الله فأخذ بيد علي وفاطمة والحسن الحسين»

سپس می‌نویسد:

«وفيههم نزلت (تعالوا ندع أبناءنا وأبنائك ونساءنا ونساءكم وأنفسنا وأنفسكم) قال جابر (أنفسنا وأنفسكم)

رسول الله وعلى بن أبي طالب (وأبنائنا) الحسن والحسين (ونساءنا) فاطمة»

«حاکم نیشابوری» این روایت را آورده و در مورد سند آن می‌گوید:

«صحیح علی شرط مسلم ولم یخرجاه»

تفسیر القرآن العظیم، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير الدمشقي أبو الفداء، دار النشر: دار الفكر - بيروت

- ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳۷۲، باب آل عمران: (۵۹ - ۶۳) إن مثل عيسى... ..

همچنین در کتاب «الکشاف» اثر «زمخشری» متوفای ۵۳۸ هجری که یکی از کتب معتبر تفسیری اهل سنت است و اهل سنت برای او احترام زیادی قائل هستند، روایتی در این زمینه بیان شده است.

«زمخشری» در جلد اول صفحه ۳۹۷ زمانی که این عبارت را می‌آورد، توضیحات مفصّلی در مورد نصاری نجران می‌دهد و در آخر می‌گوید:

«وفیه دلیل لا شیء أقوى منه علی فضل أصحاب الکساء علیهم السلام»

دلیلی قوی‌تر از آیه مباحله در فضیلت اصحاب کساء (علیهم السلام) نداریم.

«وفیه برهان واضح علی صحة نبوة النبی»

این آیه برهان و دلیل روشنی بر صحت نبوت نبی اکرم است.

الکشاف عن حقائق التنزیل وعیون الأقاویل فی وجوه التأویل، اسم المؤلف: أبو القاسم محمود بن عمر الزمخشری الخوارزمی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، تحقیق: عبد الرزاق المهدي، ج ۱، ص ۳۹۷،

ح ۱۷۱

علمای شیعه با این آیه بر احقیت امیرالمؤمنین بر امامت استدلال می‌کنند. امیرالمؤمنین که برای اثبات نبوت نبی گرامی اسلام و صداقت و صحت سخن پیغمبر اکرم می‌رود، آیا این فرد شایسته نیست؟! اصلاً ما روایات که در خصوص امیرالمؤمنین وارد شده است، مانند:

«أخی و وصی و خلیفتی فیکم»

البغوی، الحسین بن مسعود (متوفای ۵۱۶هـ)، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن (تفسیر البغوی)، ج ۳، ص ۴۰۰،

تحقیق: خالد عبد الرحمن العک، ناشر: دار المعرفة - بیروت.

:۹

«أنت امام کل مؤمن ومؤمنة»

المناقب، نویسنده: الموفق الخوارزمی، وفات: ۵۶۸، رده: مصادر سيره پیامبر وائمه (ع)، خطی: خیر، تحقیق:

الشیخ مالک المحمودی - مؤسسة سيد الشهداء (ع)، چاپ: الثانية، سال چاپ: ربيع الثاني ۱۴۱۴، چاپخانه:

مؤسسة النشر الإسلامي، ص ۶۱، ح ۳۱

:۹

«أنت ولي كل مؤمن بعدي ومؤمنة»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار الكتب

العلمية - بيروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ۳، ص ۱۴۳، ح ۴۶۵۲

را که آقایان اهل سنت با سندهای صحیح آورده‌اند نداشته باشیم، آقای «ألبانی» که از او به «بخاری دوران» تعبیر

می‌کنید در کتاب «سلسلة الأحادیث الصحيحة» جلد ۵ صفحه ۵۲۲ روایت را صحیح دانسته است. بازهم در کتاب

«السنة» اثر «ابن ابی عاصم» وارد شده است:

«على منى وأنا منه وهو ولي كل مؤمن من بعدي»

السنة، اسم المؤلف: عمرو بن أبي عاصم الضحاك الشيباني، دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت - ۱۴۰۰،

الطبعة: الأولى، تحقیق: محمد ناصر الدين الألبانی، ج ۲، ص ۵۶۴، ح ۱۱۸۷

این روایت معتبر و حسن است. «حاكم نیشابوری» در کتاب «المستدرک علی الصحیحین» جلد ۳ صفحه ۱۱۰ و صفحه

۱۳۳ می‌گوید: روایت صحیح است.

ما اصلاً با این روایات کاری نداریم. همچنان به حدیث غدیر و حدیث منزلت هم کاری نداریم. اگر خداوند عالم امامت را

به عهده خود مردم گذاشته باشد و ما هم معتقد به:

«حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ»

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير،

اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفى ديب البغا، ج ۴، ص ۱۶۱۲، ح ۴۱۶۹

باشیم، می‌بینیم که خداوند عالم برای اثبات نبوت نبی گرامی اسلام و صداقت آن بزرگوار امیرالمؤمنین را انتخاب می‌کند. آیا این برای ولایت و خلافت بعد از پیغمبر اکرم شایستگی دارد، یا کسانی که این فضیلت را ندارند؟! البته ما بارها گفتیم که بحث‌های ما بحث‌های علمی است و شاید بیش از هزار بار در این شبکه و شبکه‌های دیگر اعلام کردیم که اهانت به مقدسات اهل سنت را گناهی بزرگ بلکه نابخشودنی می‌دانیم. این کار فتنه بزرگی است و به تعبیر قرآن کریم:

(وَ الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ)

و فتنه از کشتار هم بدتر است!

سوره بقره (۲): آیه ۱۹۱

این بحث‌ها، بحث‌های علمی است و به تعبیر «شهید مطهری (رضوان الله تعالی علیه)» در کتاب «امامت و رهبری» صفحه ۲۱: "بحث‌های علمی با علم و منطق و خرد سروکار دارد."

زمانی که این آقایان می‌خواهند آیه‌ای را مقایسه کنند چنان سروصدا به راه می‌اندازند که گویا شق القمر کرده‌اند. آن‌ها می‌گویند: ای مردم! تدبر کنید. عقلتان کجا رفته است؟! این هم جواب این افراد هست. من در خدمت حضرت تعالی هستم.

مجری:

حضرت استاد از شما متشکرم. یکی از موضوعاتی که با نزدیک شدن به ایام محرم می‌بینیم شبکه‌های وهابی و صهیونیستی و کسانی که به صراحت از داعش حمایت می‌کردند مطرح می‌کنند، قضیه بحث علم غیب نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

همچنین شبهاتی که پیرامون شهادت امام حسین (علیه السلام) مطرح می‌کنند مبنی بر اینکه اگر امام حسین می‌دانستند که شهید می‌شوند، چرا به آن منطقه رفتند؟!

از آنجایی که ما در برنامه‌های خود وقتی می‌خواهیم به موضوعی پردازیم به صورت مبنایی به آن می‌پردازیم، به عنوان

سؤال اول می‌خواهم بپرسم که دیدگاه سرکرده‌های وهابی و تئوریسین‌های وهابیت در مورد بحث علم غیب چیست؟!

موضوع: دیدگاه سران وهابیت در خصوص علم غیب

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

نکته خوبی است. ما در یکی از این جلسات هم به بینندگان عزیزمان قول دادیم که در رابطه با علم غیب از دیدگاه قرآن، سنت و علمای شیعه و اهل سنت مفصل بحث کنیم.

در حال حاضر که ایام عاشورا در پیش است، وهابیت از چند هفته قبل شروع به طرح شبهات کردند و ادعا می‌کنند که اگر امام حسین می‌دانستند شهید می‌شوند، چرا به کربلا رفتند؟! وقتی که ایشان می‌دانستند، کار ایشان خودکشی است و خودکشی هم خلاف شرع است.

(وَ لَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ)

و خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید!

سوره بقره (۲): آیه ۱۹۵

بنده اولاً همانطور که حضرتعالی هم اشاره کردید به این قضیه می‌پردازم. دوستان عزیز شیعه و اهل سنت همچنین آن دسته از افرادی که ادعا می‌کنند سلفی هستند یا طرفدار سلفیت هستند، از همگان تقاضا و خواهش می‌کنم به این بحث دقت کنند.

حرف سرکرده‌های وهابی را گوش کنید، حرف قرآن کریم را کنار حرف این افراد بگذارید و سپس به حرف بزرگان و اعظم اهل سنت مراجعه کنید و ببینید حرف این افراد با قرآن کریم تطبیق می‌کند، یا خیر. در شبکه‌های وهابی مرتب ادعا می‌کنند شیعه کافر است، زیرا معتقد به علم غیب هست. آن‌ها غالی هستند و صفت خدایی را در ائمه خود مطرح می‌کنند. این کفر و شرک است!

در کتاب «تفسیر آیات من القرآن الکریم» اثر «محمد بن عبدالوهاب» جلد پنجم صفحه ۵۶ به آیه شریفه:

«وَأما قوله تعالى: (قل لا أقول لكم عندي خزائن الله) إلى قوله: (لتستبين سبيل المجرمين) ففيها مسائل:

الأولى: أمر الله سبحانه رسوله أن يخبرهم بأنه برىء ممن ادعى خزائن الله»

سپس می‌نویسد:

«الثانية: إخبارهم البراءة ممن ادعى علم الغيب»

دوما: خداوند عالم در این آیه اعلام برائت کرده است از کسی که ادعای علم غیب کند.

عزیزان دقت کنید که این افراد چگونه مطالب را وارونه نشان می‌دهند. همچنین در این کتاب جلد اول صفحه ۱۹۵ وارد شده است:

«و افترض الله على جميع العباد الكفر بالطاغوت و الإيمان بالله»

خداوند بر جمیع بندگان ایمان به خداوند و کفر به طاغوت را واجب کرده است.

سپس می‌نویسد:

«و من ادعى شيئاً من علم الغيب»

کسی که چیزی از علم غیب را ادعا کند، کافر است.

تکفیر او واجب است و خداوند آن را واجب کرده است. همچنین در کتاب «فتاوی اللجنة الدائمة» مطلب دیگری در این خصوص وارد شده است.

ما در عربستان سعودی دو گروه علمی داریم؛ گروه اول گروه علمی هیئت کبار علماست که حدود ۲۶ - ۲۷ نفر هستند و توسط سلطان معین می‌شود.

گروه دوم هم لجنه دائم افتاء یا گروه افتاء و فتاوی آنهاست که معمولاً پنج نفر بیشتر نیستند و در رأس آن هم مفتی اعظم هست. سابقاً «بن باز» مفتی اعظم عربستان سعودی بود و الآن هم «آل شیخ» است. فتاوی لجنه دائم افتاء را آقای «دویش» در بیست و سه جلد چاپ کرده است. ما در سال ۱۳۸۲ که به طائف رفتیم و با مفتی اعظم بحث

مفصلی داشتیم، یکی از هدایای ایشان به ما همین کتاب بود و ما از آن استفاده‌های زیادی کردیم. در جلد اول وارد شده

است:

«ادعاء علم الغیب کفر»

ادعای علم غیب کفر است.

الکتاب: فتاوی اللجنة الدائمة - المجموعة الأولى، المؤلف: اللجنة الدائمة للبحوث العلمية والإفتاء، جمع وترتيب:

أحمد بن عبد الرزاق الدويش، الناشر: رئاسة إدارة البحوث العلمية والإفتاء - الإدارة العامة للطبع - الرياض، ج ١،

ص ١٤١، فتوى رقم (٥٠٣٤)

ما تصمیم نداریم کلیپ پخش کنیم، اما عزیزان خوب دقت کنند به دلیل اینکه جناب آقای حسینی کلیپ را در برنامه من پخش کردند. من از بینندگان عزیز پوزش می‌طلبم، اما در یکی از این شبکه‌ها جناب آقای «سجودی» ادعا کرده

است:

"هرکسی بگوید پیغمبر اکرم از گذشته و آینده خبر داشت، ما حرف او را به شدت رد می‌کنیم و آن عالم را جاهل می‌دانیم و از خر هم خر تر می‌دانیم! هیچکسی از علمای ما چنین حرفی نزده است. شما حرف در دهان ما می‌گذارید!"

دوستان عزیز مشاهده کنید که او چه تعبیری دارد، حتی نقل آن هم برای ما سخت است!!

مجری:

حضرت استاد گاهی اوقات شبکه‌های وهابی برای مشوش کردن ذهن بینندگان و مخاطبین خودشان به برخی آیات استناد می‌کنند و آیات دیگر را در مورد علم غیب کنار می‌گذارند و هیچ اشاره‌ای نسبت به آن آیات ندارند. لطفا بفرمایید

قرآن کریم درباره بحث علم غیب چه می‌فرماید؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

دوستان عزیز! قرآن یک کتاب تربیتی است، کتاب درسی نیست که ما بگوییم فصل به فصل است. در هر فصل از آن چه مطالبی بیان شده است. قرآن کتابی تربیتی است که در مقاطع مختلف و به مناسبت‌های مختلف آیاتی در آن نازل شده است که پیغمبر اکرم برای مردم قرائت فرموده است.

چه بسا یک موضوع در چندین جای قرآن کریم به مناسبت‌های مختلف تکرار شده است. قضیه حضرت موسی و قضیه حضرت عیسی در قرآن کریم بارها تکرار می‌شود.

همچنین خداوند عالم یک مطلبی را در یک سوره گفته است که در سوره دیگر مکمل آن آمده است. به عنوان مثال در یک آیه می‌فرماید:

(اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا)

خداوند ارواح را به هنگام "مرگ" قبض می‌کند.

سوره زمر (۳۹): آیه ۴۲

قبض روح در دست خداوند است و (وهابیت می‌گویند:) هیچکس حتی عزرائیل هم توانایی قبض روح ندارد! حال آنکه در آیه دیگر می‌فرماید:

(قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ)

بگو: فرشته مرگ که بر شما مأمور شده (روح) شما را می‌گیرد، سپس به سوی پروردگارتان باز می‌گردید.

سوره سجده (۳۲): آیه ۱۱

إلى ماشاءالله مشابه این آیات را داریم که این آیات مکمل یکدیگر هستند. ما اگر بخواهیم قرآن کریم را ملاک قرار دهیم، باید تمام قرآن کریم را بررسی کنیم و در یک موضوع تمام آیات را دسته‌بندی کنیم و سپس نتیجه بگیریم. همانند اینکه:

(لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ)

به نماز نزدیک نشوید.

را بگیریم و:

(وَ أَنْتُمْ سُكَارَى)

در حالی که مست هستید.

سوره نساء (۴): آیه ۴۳

را فراموش کنیم. حال این آیه به صورت متصل است، اما در بعضی از آیات به صورت منفصل است. مشاهده کنید آنچه بنده به آن رسیدم این است که آیات قرآن کریم در رابطه با علم غیب چهار دسته هستند. در بعضی موارد وارد شده است:

(قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ)

بگو کسانی که در آسمان و زمین هستند از غیب آگاهی ندارند جز خدا.

سوره نمل (۲۷): آیه ۶۵

همچنین در سوره مبارکه حشر آیه ۲۲ وارد شده است:

(هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ)

او خدایی است که معبودی جز او نیست، از پنهان و آشکار آگاه است، و او رحمان و رحیم است.

سوره حشر (۵۹): آیه ۲۲

دسته دوم رسول گرامی اسلام است که خداوند متعال می‌فرماید:

(قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ)

بگو من نمی‌گویم خزائن خدا نزد من است و از علم غیب آگاه هستم.

همچنین در آیه دیگر وارد شده است:

(قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَاٍ مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ)

بگو: من پیامبر نوظهوری نیستم، و نمی‌دانم خداوند با من و با شما چه خواهد کرد؟

(إِنْ أَتَّبِعْ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ)

من تنها از چیزی پیروی می‌کنم که بر من وحی می‌شود، و جز بیم دهنده آشکاری نیستم.

(وَلَوْ كُنْتَ أَغْلَمَ الْغَيْبِ لَاسْتَكْتَرْتَ مِنَ الْخَيْرِ)

وهابیت به کرات به این آیه سوره مبارکه اعراف استناد می‌کنند. در این آیه وارد شده است: اگر من علم غیب می‌دانستم، خیر زیادی را به طرف خودم جلب می‌کردم و هیچ بدی به من نمی‌رسید.

دسته سوم که آقایان وهابی از آن غفلت کردند، سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۷۹ است. خداوند می‌فرماید:

(وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظِلَّكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يُجِئُكَ مِنْ رُسُلِهِ مَن يَشَاءُ)

و ممکن نبود که خداوند شما را از اسرار نهان آگاه سازد ولی خداوند از میان رسولان خود هر کس را بخواهد برمی‌گزیند.

مشاهده کنید در کتاب «تفسیر بحر المحيط» که یکی از کتب معتبر اهل سنت است و متعلق به «أبو حیان أندلسی» است، در جلد سوم صفحه ۱۳۲ وارد شده است:

«وَلَكِنَّ اللَّهَ يُجِئُ بِأَيِّ يَخْتَارُ وَيُصْطَفَى (مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ)

سپس می نویسد:

«فَيُطْلَعُهُ عَلَى مَا شَاءَ مِنَ الْمَغِيبَاتِ»

آنچه خداوند عالم از علم غیب بخواهد، به پیغمبرانش اطلاع می دهد.

«فاطلاع الرسول على الغيب هو باطلاع الله تعالى بوحى إليه»

اگر پیغمبر از غیب خبر می دهد، به خاطر این است که خداوند عالم به او خبر داده است.

«لا من جهة اطلاعه نفسه من غير واسطة»

نه اینکه پیغمبر اکرم خود بدون اتصال به وحی از غیب خبر داده باشد.

تفسیر البحر المحیط، اسم المؤلف: محمد بن یوسف الشهیر بأبی حیان الأندلسی، دار النشر: دار الکتب العلمیة

- لبنان / بیروت - ۱۴۲۲ هـ - ۲۰۰۱ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: الشیخ عادل أحمد عبد الموجود - الشیخ علی

محمد معوض، شارک فی التحقیق (۱) د. زکریا عبد المجید النوقی (۲) د. أحمد النجولی الجمل، ج ۳، ص ۱۳۲،

باب آل عمران: (۱۷۹) ما كان الله... ..

این همان حرفی است که علمای ما می گویند. ما هم بارها در اینجا گفتیم که اگر کسی بگوید ائمه اطهار (علیهم السلام)

یا انبیاء از پیش خودشان علم غیب دارند، کفر است.

علم غیب دارند بتعلیم الله تبارک و تعالی، علم غیب دارند یالهام من الله، علم غیب دارند بوحی من الله. مهم ترین این

آیات سوره مبارکه جن آیه ۲۶ است.

(عَالِمِ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ)

عالم الغیب او است، و هیچکس را بر اسرار غیبش آگاه نمی سازد، مگر رسولانی که از آنها راضی است.

سوره جن (۷۲): آیات ۲۶ و ۲۷

حال به دلیل اینکه در رابطه با این آیه شریفه مطلب زیاد است، این آیه در ذهن مبارک دوستان باشد. این قوی‌ترین آیه است در مورد اینکه انبیاء از علم غیب باخبر هستند. آقای «محمد بن عبدالوهاب» و آقای «سجودی»! ملاحظه کنید این آیه از قرآن کریم است.

(عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ)

این آیه را کنار آیاتی بگذارید که می‌فرماید: **(عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ)**، سپس نتیجه بگیرید. دسته سوم از آیات اخباری است که خود پیامبران الهی از غیب داشتند. خیلی واضح است که پیامبران الهی با وحی من الله از غیب خبر دادند. حضرت نوح می‌فرماید:

(إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يَضِلُّوا عِبَادَكَ وَ لَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا)

اگر آن‌ها را بگذاری بندگان را گمراه می‌کنند، و جز نسلی فاجر و کافر به وجود نمی‌آورند.

سوره نوح (۷۱): آیه ۲۷

آقای «آلوسی» که به تعبیر «زرکلی» سلفی العقیده است، در کتاب «تفسیر روح المعانی» جلد ۲۹ می‌نویسد:

(وَ لَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا)

سپس می‌نویسد:

«وقد علم كل ذلك بوحي»

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد

محمود الألوسی البغدادی، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ۲۹، ص ۸۰، باب نوح: (۲۷) إنك إن

تذرههم... ..

اگر حضرت نوح می‌فرماید: این افراد در آینده نسلی غیر از کفار در جامعه اضافه نمی‌کنند، حضرت نوح بوحي من الله خبر می‌دهد. پیغمبر اکرم می‌فرماید: این افراد در آینده چنین هستند.

همچنین آقای «فخر رازی» در کتاب «تفسیر» خود جلد ۳۰ همین تعبیر را می‌آورد و می‌نویسد:

«أما النص فقوله تعالى: (وَأَوْجِي إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ)»

التفسیر الكبير أو مفاتيح الغيب، اسم المؤلف: فخر الدين محمد بن عمر التميمي الرازي الشافعي، دار النشر:

دار الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۰ م، الطبعة: الأولى، ج ۳۰، ص ۱۳۰، باب نوح: (۲۷) إنك إن

تذرههم... ..

در رابطه با حضرت یوسف و خوابی که عزیز مصر دیده بود مبنی بر اینکه هفت گاو لاغر، هفت گاو چاق را خوردند مطالبی وارد شده است. وقتی برای تعبیر خواب به حضرت یوسف مراجعه کردند، حضرت فرمود: شما هفت سال زراعت می‌کنید و هرچه زراعت کردید را در سنبل قرار دهید، مگر اندکی که برای خورد و خوراک شماست. بعد از آن هفت سال قطعی می‌آید که باید از آنچه اندوخته‌اید در این هفت سال استفاده کنید.

آقای «طبری» در کتاب «تفسیر جامع البیان» که یکی از کتب تفسیر معتبر اهل سنت است، مطالبی در این زمینه آورده است. آقای «ابن تیمیه حرانی» می‌گوید: «تفسیر طبری» و «تفسیر ابن ابی حاتم» کتبی است؛

«و تفاسیرهم متضمنة للمنقولات آلتی يعتمد علیها فی التفسیر»

منهاج السنة النبوية، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مؤسسة قرطبة

- ۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج ۷، ص ۱۷۹، فصل قال الرافضي البرهان الحادي و

العشرون

در کتاب «تفسیر طبری» وارد شده است:

«وهذا خبر من يوسف عليه السلام للقوم عما لم يكن في رؤيا ملكهم ولكنه من علم الغيب الذي آتاه الله دلالة

على نبوته وحجة على صدقة»

جامع البیان عن تأویل آی القرآن، اسم المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن خالد الطبري أبو جعفر، دار النشر:

دار الفكر - بيروت - ۱۴۰۵، ج ۱۲، ص ۲۳۲، باب يوسف: (۴۹) ثم يأتي من... ..

در این روایت وارد شده است که پیشگویی حضرت یوسف به وحی الهی و علم غیب بوده است.

مجری:

این همان خوابی است که هفت گاو لاغر هفت گاو چاق را خوردند؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله، همان خوابی است که عزیز مصر دیده بود و حضرت یوسف را برای تعبیر آن از زندان آوردند. واضح‌تر از همه این است که حضرت مسیح می‌فرماید:

(وَ أَتَّبِعُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَ مَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ)

و از آنچه می‌خورید، و در خانه‌های خود ذخیره می‌کنید، به شما خبر می‌دهم.

سوره آل عمران (۳): آیه ۴۹

حضرت عیسی چطور به این علوم دست پیدا کرده است؟! آیا این علم غیب هست یا علم غیب نیست؟! این افراد ادعا می‌کنند که هرکسی بگوید پیغمبر اکرم علم غیب دارد جاهل و کافر است!! آیا نستجیر بالله «محمد بن عبدالوهاب» حاضر است نسبت به حضرت عیسی چنین ادعایی داشته باشد (و ایشان را کافر بدانند؟!)

آقای «ابن بطال» یکی از علمای بزرگ اهل سنت و اولین کسی است که برای «صحيح بخاری» شرح نوشته است. او در کتاب خود جلد ۱۰ می‌نویسد:

«ويجوز أن يكون جعل الله لهما إلى علم ذلك سبيلاً كما جعل لكثير من أنبيائه السبيل إلى كثير من علم الغيب»

او همین آیه شریفه را مطرح می‌کند و می‌گوید:

«وقد أخبر الله عن عيسى ابن مريم أنه قال لبي إسرائيل: (وَ أَتَّبِعُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَ مَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ) [آل

عمران: ۴۹]، وقد أخبر نبينا بكثير من علم الغيب»

خداوند به عیسی بن مریم خبر داد که خطاب به بنی اسرائیل بگوید: و از آنچه می‌خورید و در خانه‌های خود ذخیره می‌کنید، به شما خبر می‌دهم. به پیغمبر اکرم هم بسیاری از علم غیب را خبر داده است.

شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: أبو الحسن علی بن خلف بن عبد الملك بن بطلال البکری القرطبی، دار النشر: مكتبة الرشد - السعودية / الرياض - ١٤٢٣ هـ - ٢٠٠٣ م، الطبعة: الثانية، تحقیق: أبو تمیم یاسر بن إبراهيم، ج ١٠، ص ٢٠١، ح ٦٤

آقای «نووی» که از او به فقیه الأمة تعبیر می‌کنند، در کتاب «تهذیب الأسماء و اللغات» جلد دوم می‌نویسد:

«ومنها إخباره بالمغيبات»

خبر دادن حضرت عیسی به غیب‌ها.

«قال الله تعالى إخبارًا عنه: {وَأْتَبْتُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ}»

خداوند عالم از قول حضرت عیسی نقل می‌کند: و از آنچه می‌خورید، و در خانه‌های خود ذخیره می‌کنید، به شما خبر می‌دهم.

لکتاب: تهذیب الأسماء واللغات، المؤلف: أبو زكريا محيي الدين يحيى بن شرف النووي (المتوفى: ٦٧٦ هـ)، عنيت بنشره وتصحيحه والتعليق عليه ومقابلة أصوله: شركة العلماء بمساعدة إدارة الطباعة المنيرية، يطلب من: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان، (تخريج الأحاديث وتخریج أسماء الرجال لـ مصطفى عبد القادر عطا، ولی است فی المطبوع)، ج ٢، ص ٤٧، ح ٤٨٣

از این واضح‌تر و روشن‌تر بیان کنیم؟! خداوند متعال در سوره مبارکه روم می‌فرماید:

(غُلِبَتِ الرُّومُ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ)

رومیان مغلوب شدند. (و این شکست) در سرزمین نزدیکی رخ داد، اما آن‌ها بعد از مغلوبیت به زودی غلبه خواهند کرد.

آقای «فخر رازی» در کتاب «تفسیر الکبیر» جلد هفتم صفحه ۱۶۳ به صراحت می‌گوید:

«وقد وقع مخبره علی موافقته، فکان هذا إخباراً عن الغیب وهو معجز»

التفسیر الکبیر أو مفاتیح الغیب، اسم المؤلف: فخر الدین محمد بن عمر التمیمی الرازی الشافعی، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۲۱ هـ - ۲۰۰۰ م، الطبعة: الأولى، ج ۷، ص ۱۶۳، باب آل عمران: (۱۲) قل للذین کفروا... ..

غلبه کردن روم، اخبار نبی گرامی اسلام از غیب است. جناب آقای حسینی ما در رابطه با پیغمبر اکرم آیات زیادی داریم که ان شاء الله اگر فرصت شد، در رابطه با سوره مبارکه تحریم مطالبی را خدمت عزیزان بیان خواهیم کرد. در ابتدای سوره تحریم وارد شده است که حضرت بعضی از مسائل را به همسران خود خبر می‌دهد:

(قَالَتَ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ تَبَأْنِي الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ)

گفت چه کسی تو را از این راز آگاه ساخته؟ فرمود: خدای عالم و آگاه مرا آگاه ساخت!

سوره تحریم (۶۶): آیه ۳

این موارد متعدد است. دوستان عزیز ما اوایل کتاب «صحیح مسلم» را باز می‌کردیم و به مردم نشان می‌دادیم و روایت می‌خواندیم.

وهابیت ادعا می‌کردند که آقای قزوینی خود چیزی نوشته است و وسط کتاب گذاشته است! ایشان جلد کتاب را نشان می‌دهد و سپس صفحه‌ای که خود آن را نوشته است نشان می‌دهد!

ولی این آیات، آیات الهی است و قرآن کریم هم در منازل همه مردم است. بحمدلله امروزه این مطالب در اینترنت وجود دارد، در نرم افزارهای علوم اسلامی از قبیل «الجامع الکبیر»، «مکتبه اهل بیت» و دیگر نرم افزارها موجود است. ما جلد و صفحه کتاب را نشان می‌دهیم و حتی یک مورد هم نبوده است که جلد و صفحه کتاب را نشان ندهیم. آفتاب آمد دلیل آفتاب!

حضرت استاد از شما ممنونم. فکر می‌کنم آیات مشخص و واضح بود، بخصوص زمانی که در کنار هم قرار بگیرند دلالت آیات قرآن کریم کاملاً مشخص می‌شود.

نظر بزرگان و علمای اهل سنت در تفسیر این آیات چیست؟! این سؤال دیگر برای کسانی که از اهل سنت به دنبال حقیقت هستند یا آقایان وهابی کار را محکم‌تر خواهد کرد. علمای اهل سنت در تفسیر این آیات چه گفتند و نظرشان راجع به علم غیب انبیاء چه بود؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

دوستان توجه کنند که ما آیات را بسیار واضح و روشن خواندیم. اگر آقایان در ترجمه آیات هم نگاه کنند، ترجمه آیاتی مانند:

(غَلَبَتِ الرُّومُ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ)

و:

(وَ أُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَ مَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ)

کاملاً روشن و واضح است. اگر کسی سواد پنجم ابتدایی هم داشته باشد و این آیات را بخواند مسئله بر او روشن خواهد شد.

از میان بزرگان اهل سنت آقای «بیضاوی» متوفای ۶۹۱ هجری کتابی به نام «تفسیر بیضاوی» دارد که جزء تفاسیر مورد اعتماد اهل سنت است. او در جلد پنجم در تفسیر آیه ۲۶ از سوره مبارکه جن:

(عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يظْهَرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ)

عالم الغیب او است، و هیچکس را بر اسرار غیبش آگاه نمی‌سازد، مگر رسولانی که از آنها راضی است.

«وكرامات الأولياء على المغيبات إنما تكون تلقيا عن الملائكة كاطلاعنا على أحوال الآخرة بتوسط الأنبياء»

اولیاء کرامت و آگاهی بر مطالب غیبی دارند که در حقیقت از ملائکه گرفته شده است، همانند اطلاعات ما بر احوال آخرت توسط انبیاء.

تفسیر البیضاوی، اسم المؤلف: البیضاوی، دار النشر: دار الفكر - بیروت، ج ۵، ص ۴۰۲، باب الجن: (۲۷) إلا من ارتضى... ..

آقای «قرطبی» یکی از علمای بزرگ اهل سنت است، متوفای ۶۷۱ هجری است و گفته شده است که کتاب «تفسیر القرطبی» خلاصه تفاسیر شش قرن اول اسلام است. او در کتاب «تفسیر» خود جلد نوزدهم ذیل همین آیه می نویسد:

«فإنه يطلع على ما يشاء من غيبه»

خداوند عالم پیغمبرش را بر غیبش مطلع می کند.

شما حرف های علمای اهل سنت را کنار حرف این شخص بگذارید و ببینید قضیه چیست.

«ليكون ذلك دالا على نبوته»

علم غیب پیامبران یکی از نشانه های صداقت آنهاست.

الجامع لأحكام القرآن، اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي، دار النشر: دار الشعب - القاهرة، ج ۱۹، ص ۲۷، باب الجن: (۲۶) عالم الغيب فلا... ..

اصلاً علم غیب نه تنها بر پیامبران جایز است، بلکه این علم غیب دلیل بر نبوتشان است. حال کارشناس شبکه وهابی می گوید که اگر کسی مدعی علم غیب باشد، کافر است! ایشان در جلد هفتم به صراحت می گوید:

«فإنه تعالى عنده علم الغيب ويده الطرق الموصلة إليه لا يملكها إلا هو فمن شاء إطلاع عليه أطلعته ومن شاء

حجبه عنها حجبه ولا يكون ذلك من إفاضته إلا على رسله»

علم غیب در دست خداوند عالم است و بر هرکسی بخواهد دریچه علم غیب را باز می‌کند و او را آگاه می‌کند و هرکسی را هم بخواهد از آن محروم می‌کند.

الجامع لأحكام القرآن، اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي، دار النشر: دار الشعب - القاهرة، ج ٧، ص ٢، باب الأنعام: (٥٩) وعنده مفاتيح الغيب... ..

ان شاء الله زمانی که به روایات شیعه هم رسیدیم، بیان می‌کنیم که امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: علم غیب در دست خداوند عالم است. اگر خداوند اراده کند ما علم غیب می‌دانیم و اگر اراده نکند و نخواهد ما نمی‌دانیم.

ما تابع همین روایات صحیحی هستیم که «مرحوم کلینی» و دیگران در منابع شیعه آورده‌اند. «ابن کثیر دمشقی» در کتاب «تفسیر» خود جلد ٤ می‌گوید:

«لا يطلع أحدًا من خلقه على شيء من علمه إلا مما أطلعته تعالى عليه»

کسی از علم غیب الهی خبر ندارد، مگر آن مقداری که خداوند عالم او را مطلع کند.

«عالم الغيب فلا يظهر على غيبه أحدًا إلا من ارتضى من رسول»

سپس می‌نویسد:

«وهذا يعم الرسول الملكي والبشري»

پیامبران رسول ملکی و بشری هم علم غیب می‌دانند.

تفسیر القرآن العظیم، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير الدمشقي أبو الفداء، دار النشر: دار الفكر - بيروت - ١٤٠١، ج ٤، ص ٤٣٤، باب الجن: (٢٥ - ٢٨) قل إن أدرى... ..

پیامبران ملکی همانند جبرئیل، میکائیل، اسرافیل و دیگر ملائکه هستند. آقای «ابن حجر عسقلانی» یکی از علمای بزرگ اهل سنت متوفای ٨٥٢ هجری است. نقل شده است که اهل سنت عیال کنار سفره چهار نفر هستند؛ «ابن حجر»، «ذهبی»، «مزی» و «زین الدین عراقی». این چهار نفر جزء استوانه‌های اصلی اهل سنت هستند. از کلمات «ابن حجر»

به عنوان کلمات فصل الخطاب تعبیر می کنند و حافظ علی الاطلاق تنها به «ابن حجر عسقلانی» منحصر است. او در کتاب

«فتح الباری شرح صحیح البخاری» جلد ۹ صفحه ۲۰۳ آیات را می آورد و می نویسد:

«(قل لا یعلم من فی السماوات والأرض الغیب الا الله) وقوله لنبيه (قل لا أملك لنفسی نفعا ولا ضرا إلا ما شاء

الله)، (ولو كنت أعلم الغیب لاستکثرت من الخیر)»

سپس می نویسد:

«وسائر ما كان النبی یخبر به من الغیوب بإعلام الله تعالی إياه لا أنه یستقل بعلم ذلك»

اگر پیغمبر اکرم از علم غیب خبر می دهد با تعلیم و وحی الهی است، نه اینکه از پیش خود چیزی بگوید.

«(عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَى)»

فتح الباری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار

النشر: دار المعرفة - بیروت، تحقیق: محب الدین الخطیب، ج ۹، ص ۲۰۳، ح ۴۸۵۲

او در جلد ۱۱ صفحه ۳۴۷ بسیار مفصل بحث می کند و می گوید:

«وفیه دلالة علی جواز اطلاع الولی علی المغیبات باطلاع الله تعالی له»

این آیات و روایات دلالت می کند بر جواز اطلاع ولی بر مغیبات.

در اینجا ولی آمده نه پیغمبر ؛ حتی کسی که از اولیاء خداوند باشد و بنده صالح خدا باشد، خداوند عالم او را به غیب

مطلع می کند. او سپس آیه را می آورد:

«(عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا إِلَّا مَنِ ارْتَضَى)»

و می نویسد:

«فإنه لا یمنع دخول بعض اتباعه معه بالتبعية»

بعضی از پیروان پیغمبر هم می‌توانند به تبع او از علم غیب خبر داشته باشند.

فتح الباری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار

النشر: دار المعرفة - بیروت، تحقیق: محب الدین الخطیب، ج ۱۱، ص ۳۴۷، ح ۶۱۳۷

حال ما خواهیم گفت که «ابن تیمیه» می‌گوید: علم غیبی که ابوبکر و عمر و عثمان و اتباع آن‌ها داشتند، چندین برابر علم غیبی بود که حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) داشت!

شاید وهابیت «ابن حجر» را قبول نداشته باشند، اما «ابن تیمیه» را قبول دارند. حرف «ابن تیمیه» را کنار حرف «محمد بن عبدالوهاب»، «سجودی» و دیگر کارشناسان شبکه‌های وهابی بگذارید که هرروز کفر شیعه را ثابت می‌کنند! آن‌ها ادعا می‌کنند که شیعیان غلو می‌کنند و صفت خدایی را برای ائمه قائل هستند! شرک و کفر است!

مجری:

حضرت استاد! آیا اهل سنت روایت صحیح السننی دارند که صحابه ادعا کرده باشند علم غیب دارند؟! با توجه به تفاسیری که گفته بودند پیروان انبیاء هم می‌توانند علم غیب داشته باشند، آیا روایتی دارند؟!

موضوع: اعتراف به علم غیب صحابه از سوی علمای اهل سنت

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

نکته زیبایی است. ما باید ببینیم در کتاب‌های صحیح اهل سنت در رابطه با علم غیب صحابه روایت صریح و صحیح دارند، یا خیر! در کتاب «صحیح مسلم» حدیث ۲۸۹۲ روایتی از «ابو زید عمرو بن اخطب» روایتی وارد شده است که می‌گوید:

«صلى بنا رسول الله الفجر وصعد المنبر فخطبنا حتى حضرت الظهر»

روزی پیغمبر اکرم نماز صبح خواند، سپس بالای منبر رفت و تا ظهر خطبه خواند.

«فَنَزَلَ فَصَلَّى ثُمَّ صَعِدَ الْمِئْبَرِ فَخَطَبَنَا حَتَّى حَضَرَتِ الْعَصْرُ»

حضرت از منبر آمد پایین نماز خواند و دومرتبه بالای منبر رفت و تا عصر خطبه خواند.

«ثُمَّ نَزَلَ فَصَلَّى ثُمَّ صَعِدَ الْمِئْبَرِ فَخَطَبَنَا حَتَّى غَرَبَتِ الشَّمْسُ»

حضرت از منبر پایین آمد نماز خواند و دومرتبه بالای منبر رفت و تا غروب خورشید خطبه خواند.

«فَأَخْبَرَنَا بِمَا كَانَ وَبِمَا هُوَ كَائِنٌ»

پیغمبر اکرم از تمام گذشته و آینده ما را باخبر کرد.

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث

العربی - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ٤، ص ٢٢١٧، ح ٢٨٩٢

«سجودی» ادعا می‌کند که هرکسی بگوید پیغمبر اکرم علم گذشته و آینده را می‌داند جاهل است. این کتاب «صحیح مسلم» است، درحالی‌که وهابیت ادعا می‌کنند بزرگان ما چنین چیزی نگفته‌اند و شما به ما دروغ می‌بندید! این کتاب «صحیح مسلم» است و روایت هم از صحابی پیغمبر اکرم است. به قول شما «صحیح مسلم» صحیح‌ترین کتاب بعد از قرآن کریم است. همچنین از «حذیفه» نقل شده است:

«أَنَّهُ قَالَ أَخْبَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ بِمَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ»

پیغمبر اکرم از تمام اتفاقاتی که تا قیامت می‌افتد، مرا مطلع کرد.

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث

العربی - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ٤، ص ٢٢١٧، ح ٢٨٩١

اگر پیغمبر اکرم علم غیب ندارد، از کجا اتفاقات آینده را به حذیفه فرموده است؟! شاید نستجیر بالله ادعا کنید که «حذیفه» به پیغمبر اکرم افترا بسته است و کفر «حذیفه» را اثبات کنید. گاهی اوقات انسان می‌ماند که با چه فرهنگ و بیانی با این افراد صحبت کند.

همچنین بازهم در کتاب «صحيح مسلم» از «حذيفه» نقل شده است:

«والله إني لأعلمُ الناسِ بكلِّ فِتْنَةٍ هي كائِنُها فيما بيني وبين الساعةِ»

به خدا سوگند من آگاه‌ترین مردم هستم به تمام فتنه‌ها از الآن تا قیام قیامت.

«وما بي إلا أن يكونَ رسولُ اللهِ أسَرَ إلى في ذلك شيئاً لم يحدثهُ غيري»

اسراری که من از آن مطلع هستم را پیغمبر اکرم به من فرموده است و به احدی غیر از من نفرموده است.

صحيح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث

العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ٤، ص ٢٢١٦، ح ٢٨٩١

حال وهابیت در رابطه با «حذیفه» صاحب اسرار پیغمبر اکرم و صحابی رسول الله چه ادعایی دارند؟! او می‌گوید: من از تمام علم غیب و اتفاقات از الآن تا قیام قیامت باخبر هستم. در کتاب «جامع صحيح ترمذی» روایتی از «ابو سعید خدری» نقل شده است که می‌گوید:

«صلى بنا رسول الله يوماً صلاةَ العَصْرِ بِنَهَارٍ ثُمَّ قامَ خَطيباً فلم يدعُ شيئاً يكونُ إلى قيامِ الساعةِ إلا أخبرنا به حَفِظُهُ»

پیغمبر اکرم نماز عصر را خواندند، سپس بر منبر رفتند و تمام اتفاقاتی که تا قیام قیامت می‌افتد را به ما خبر دادند و هرکسی به اندازه استعداد خود این مطالب را حفظ کرد.

او سپس نقل می‌کند برخی مطالبی که پیغمبر اکرم به ما خبر داده بود را حفظ کردیم. آقای «ترمذی» در مورد سند روایت می‌گوید:

«وَهَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ»

«حذیفه»، «ابو مریم»، «ابو زید» و «مغیره بن شعبه» را نقل می‌کند که آن‌ها خبر دادند ما علم غیب می‌دانیم. «ابو زید عمرو بن أخطب»، «ابو مریم»، «مغیره بن شعبه» گفتند:

الجامع الصحيح سنن الترمذی، اسم المؤلف: محمد بن عیسیٰ أبو عیسیٰ الترمذی السلمی، دار النشر: دار إحياء

التراث العربی - بیروت --، تحقیق: أحمد محمد شاکر وآخرون، ج ٤، ص ٤٨٣، ح ٢١٩١

البته آقایان اهل سنت در مورد مطالب «ترمذی» توضیحات و توجیهاتی دارند، اما ما نفهمیدیم! ما تمام کتاب‌هایی که مصطلحات «ترمذی» را شرح دادند دیدیم، اما مشاهده کردیم که حتی دو کتاب هم با همدیگر همخوانی ندارند.

«حسن» رتبه پایین‌تری دارد و «صحيح» رتبه بسیار بالاتری دارد. اگر این روایت «حسن» است «صحيح» نیست و اگر «صحيح» است «حسن» نیست. آقایان گفتند: شاید این روایت یک سندی دارد که «صحيح» است و یک سندی دارد که «حسن» است.

ما هم می‌گوییم شاید چنین بوده است. هم این روایت با سند «حسن» آمده است و هم با سند «صحيح» آمده است. اما این قاعده در موارد دیگر صدق نمی‌کند. در مواردی که می‌گوید: غریب و صحيح صدق نمی‌کند.

مجری:

مجری:

استاد! حال که ثابت شد نبی گرامی اسلام به اذن خداوند متعال علم غیب می‌دانستند، در امور قضایی زمانی که مخاصمه‌ای می‌شد و باید بینه‌ای می‌آوردند آیا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به علم خودشان اعتنا می‌کردند و براساس آن حکم می‌کردند یا خیر؟!

موضوع: آیا پیغمبر اکرم در امور قضایی به علم غیب خود مراجعه می‌کردند؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سؤال بسیار زیبایی است. بنده بینندگان عزیز که برنامه را می‌بینند یا تکرار برنامه را خواهند دید را قسم می‌دهم به هرچه که عقیده دارند به پاسخ این سؤال خوب دقت کنند.

ما بارها گفتیم ائمه اطهار و انبیاء الهی (علیهم السلام) علم غیب دارند، اما علم غیب برای آنها تکلیف آور نیست. ائمه اطهار در مسائل تکلیفی به علم ظاهری عمل می‌کنند.

امام حسین (علیه السلام) اگر می‌داند شهید می‌شود، برای امام حسین تکلیف آور نیست. تکلیف این است که برای نجات اسلام باید شهید شوند؛ خواه علم غیب داشته باشند یا نداشته باشند. علم غیب امام حسین برای امام حسین تکلیف آور نیست که وقتی می‌دانند کشته می‌شوند نباید بروند.

در اینجا دو مسئله وجود دارد؛ مسئله اول در صحاح اهل سنت آمده است. ما ثابت کردیم که پیغمبر اکرم علم غیب داشته است و صحابه هم علم غیب داشتند. ملاحظه کنید در اینجا حضرت در حدیث ۶۵۶۶ می‌فرماید:

«إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ وَإِنَّكُمْ تَخْتَصِمُونَ إِلَيَّ وَلَعَلَّ بَعْضَكُمْ أَنْ يَكُونَ الْخَنَ بِحُجَّتِهِ مِنْ بَعْضٍ»

مراد از این روایت این است که پیغمبر اکرم می‌فرماید: شما برای فصل خصومت و قضاوت نزد من می‌آیید. دو نفر باهم دعوا دارند درحالی که یکی از آنها قدرت بیان دارد و خیلی خوب استدلال می‌کند، اما دیگری زبان آنچنانی ندارد و نمی‌تواند از خود دفاع کند.

«وَأَقْضِي لَهُ عَلَى نَحْوِ مَا أَسْمَعُ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير،

اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٦، ص ٢٥٥٥، ح ٦٥٦٦

من با توجه به بیانات مدعی و مدعی علیه قضاوت می‌کنم و ادله هرکدام قوی‌تر باشد به نفع او حکم می‌کنم. اگر کسی می‌داند که به اینجا آمده است و ادله دروغی بیان کرده است و مطالب را طوری وانمود کرده است که تشخیص دادم حق با اوست، به عنوان مثال مالی را برای او تشخیص دادم که اگر این مال را ببرد به پاره‌ای از آتش برای او تبدیل خواهد شد. من قضاوت کردم، اما قضاوت من بر مبنای ادله یا شهودی بود که گفتم. دو شاهد نزد پیغمبر اکرم می‌آورم و آنها شهادت می‌دهند و حضرت بر مبنای شهادت آنها قضاوت می‌کند. اگر این شهادت دروغی بوده است و کسی هم که مال

به دست او می‌رسد می‌داند تصاحب این مال بر مبنای نادرستی بوده است، این مال متعلق به او نیست و قطعه‌ای از آتش است.

ما همین عبارت را در کتب شیعیان داریم. در کتاب «کافی» اثر «کلینی» جلد هفت همین عبارت وارد شده است. امام صادق از قول پیغمبر اکرم فرمودند که حضرت می‌فرماید: قضاوت من بین شما با ادله و قسم است. بعضی افراد بیان خوبی دارند و ادله می‌چینند، اما بعضی دیگر بیان خوبی ندارند. هرکدام از شما که من بر حقانیت او حکم کردم و خودش می‌داند که حق نبوده است، مالی که با قضاوت من می‌گیرد قطعه‌ای از آتش جهنم است.

همچنین در کتاب «وسائل الشیعه» جلد ۲۷ همین تعبیر از امام حسن عسکری (علیه السلام) آمده است.

نکته دیگری که در اینجا وجود دارد و تقاضا دارم عزیزان خوب دقت کنند، این است که وهابیت ادعا می‌کنند علی رغم اینکه امام حسین می‌دانست شهید می‌شود چرا به کربلا رفت!؟

ما در بحث جنگ جمل هنوز به جایی نرسیدیم، اما امیرالمؤمنین قبل از شروع جنگ جمل با اصحاب جمل اتمام حجت می‌کنند. گفتنی است که این اتمام حجت بعد از جنگ جمل صغیر است که در آن قبل از رسیدن امیرالمؤمنین تعداد زیادی از صحابه از جمله «سهل بن حنیف» کشته شدند و اموال بیت المال تصرف شد.

قبل از شروع جنگ جمل کبیر امیرالمؤمنین آمده است و می‌خواهد با اصحاب جمل اتمام حجت کند. در کتاب «تاریخ طبری» جلد سوم وارد شده است که امیرالمؤمنین با «زبیر» صحبت کرد و اتمام حجت کرد، اما آن‌ها زیر بار سخنان حضرت نرفتند.

«فقال علی لأصحابه أیکم یرض علیهم هذا المصحف وما فیه»

حضرت به اصحاب خود فرمود: کدام یک از شما حاضر است این قرآن را به دست بگیرد و به اصحاب جمل عرضه کند؟

حضرت می‌خواست به سپاهیان جمل بفرماید که هرچه خداوند در قرآن کریم فرموده است را قبول داریم. اگر شما هم قرآن را قبول دارید بیایید با هم کنار بیاییم. چرا دعوا و کشتار به راه بیندازیم!

«فإن قطعت يده أخذه بيده الأخرى»

اگر دست راست او را قطع کردند، قرآن را در دست چپ خود بگیرد.

«وإن قطعت أخذه بأسنانه»

اگر هردو دست او را قطع کردند، قرآن را به دندان بگیرد.

«قال فتى شاب أنا»

در این حال جوانی بلند شد و گفت: من حاضرم بروم.

«فطاف على أصحابه يعرض ذلك عليهم فلم يقبله إلا ذلك الفتى»

حضرت برای بار دوم و سوم هم خواسته خود را مطرح کرد، اما همین جوان بلند شد.

حضرت به او فرمود: اگر به آنجا بروی، کشته خواهی شد. اما او قبول کرد که برود.

«فأخذه بأسنانه حتى قتل»

قرآن را به دندان گرفت تا زمانی که کشته شد.

جامع البيان عن تأويل آي القرآن، اسم المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن خالد الطبري أبو جعفر، دار النشر:

دار الفكر - بيروت - ١٤٠٥، ج ٣، ص ٤١، باب أمر القتال

همچنین در کتاب «الكامل لابن اثير» وارد شده است که حضرت اميرالمؤمنين (سلام الله عليه) می فرماید:

«قال على أيكم يأخذ هذا المصحف يدعوهم إلى ما فيه فإن قطعت يده أخذه بيده الأخرى فإن قطعت أخذه

بأسنانه وهو مقتول»

حضرت فرمود: هرکسی می خواهد به جنگ با اصحاب جمل برود اگر دست راست او را قطع کردند باید قرآن را

به دست چپ بگیرد و اگر دست چپ او را قطع کردند قرآن را به دندان بگیرد و کشته خواهد شد.

الكامل فى التاريخ، اسم المؤلف: أبو الحسن على بن أبى الكرم محمد بن محمد بن عبد الكريم الشيبانى، دار

النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١٥ هـ، الطبعة: ط ٢، تحقيق: عبد الله القاضى، ج ٣، ص ١٤٧، باب عدد

قتلى الواقعة

جوانى گفت: يا اميرالمؤمنين من حاضر هستم. اين جوان به طرف سپاهيان جمل رفت و در حالى كه قرآن را به دندان گرفته بود شهيد شد.

اميرالمؤمنين در اينجا مى فرمايد: هر كسى به جنگ با اصحاب جمل برود كشته خواهد شد و اين جوان هم كشته مى شود. آيا نستجير بالله كشته شدن اين جوان خودكشى محسوب مى شود يا اتمام حجت است؟!

«سنن بيهقى» اين قضيه را در جلد هشتم صفحه ١٨١ نقل مى كند و مى نويسد پس از اينكه اين جوان كشته شد، حضرت امير المومنين فرمود:

«قد حل لكم قتالهم الآن»

الآن جنگ با اصحاب جمل براى شما جايز شد.

دو سپاه آرايش جنگى گرفتند؛

«فاقتلوا قتالا شديداً»

سنن البيهقى الكبرى، اسم المؤلف: أحمد بن الحسين بن على بن موسى أبو بكر البيهقى، دار النشر: مكتبة دار

الباز - مكة المكرمة - ١٤١٤ - ١٩٩٤، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، ج ٨، ص ١٨١، ح ١٦٥٥٢

به تعبیر آیت الله العظمی مکارم شیرازی در کتاب «تفسیر نمونه» علی الأقل هفده هزار نفر و بنا به «تفسیر یعقوبی» سی هزار نفر کشته شدند.

ما از این آقایان سؤال می کنیم که این مطالب در کتب خودتان آمده است و کتاب «الكامل فى التاريخ» یکی از صحیح ترین کتب تاریخی است. «ابن اثیر» می گوید: من تلاش کردم در این کتاب تاریخی صحیح ترین و معتبرترین عبارتها را داشته باشم.

امیرالمؤمنین خبر می‌دهند که هرکسی برود کشته خواهد شد و این جوان هم می‌رود و کشته می‌شود. آیا نستجیر بالله این عمل او خودکشی است یا برای دفاع از اسلام و اتمام حجت باید خون داد، کشته شد، شهید داد و به شهادت رسید. این مطالب کاملاً واضح و روشن است. ما تا حدودی به این شبهه هم پاسخ دادیم، البته اگر فرصتی باقی باشد ما حرف‌های زیادی برای گفتن داریم. در رابطه با قضیه حضرت سیدالشهداء حرف‌های مفصلی داریم که ان‌شاءالله در برنامه‌های بعد به آن خواهیم پرداخت.

مجری:

ان‌شاءالله عزیزان ویژه برنامه محرم را هم دنبال کنند. ان‌شاءالله از پنجشنبه شب همین هفته آغاز خواهد شد و می‌توانید با ما همراه باشید. این برنامه از ساعت ۲۰ الی ۲۱:۳۰ دقیقه هست. بیننده این برنامه هم باشید و ما را دنبال کنید. میان برنامه‌ای بینیم و برگردیم به سراغ تماس‌های شما عزیزانی که پشت خط منتظر هستید برویم. با ما همراه باشید.

تماس بینندگان برنامه:

بینندگان عزیز از همراهی شما ممنونم. آقا محمد از پاکستان سلام علیکم و رحمة الله:

بیننده (آقا محمد از پاکستان - شیعه):

سلام علیکم خدمت مجری محترم و حاج آقای قزوینی.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله.

بیننده:

من از پاکستان زنگ می‌زنم و دو سؤال داشتم. سؤال اول بنده این است که در پاکستان قمه زدن خیلی رایج است. آیا حکم مذهب تشیع در این خصوص چیست؟!

سؤال دوم من این است که من مرض قند دارم و امسال نتوانستم روزه بگیرم، اما کفاره آن را دادم. آیا قضای روزه امسال بر من واجب است، یا خیر؟!

خداوند «شبکه جهانی ولایت» را تا ظهور امام زمان (ارواحنا له الفداء) استوار بسازد. یا علی مدد، مولا مدد. از همه شما تشکر می‌کنم.

مجری:

موفق باشید. یکی از سؤالاتشان این بود که گفتند: روزه قضا دارند، اما نمی‌توانند روزه خود را بگیرند.

البته باید بگویم که در روزهای زوج برنامه «زمزمه احکام» تنها مختص به بحث پاسخ به سؤالات فقهی است. برنامه رأس ساعت ۱۸ آغاز می‌شود و در آنجا هم می‌توانید برنامه را دنبال کنید و اگر سؤالات فقهی دارید بیان کنید.

علی آقا از خوزستان سلام علیکم و رحمة الله:

بیننده (علی آقا از خوزستان - شیعه):

سلام عرض می‌کنم خدمت شما سالار گرامی آقای حسینی عزیز و همچنین فخر شیعیان آیت الله العظمی دکتر حسینی قزوینی. آقای حسینی عزیز به دلیل اینکه بینندگان زیادی پشت خط هستند، بنده سه نکته را سریعاً عرض می‌کنم. نکته اول این است که استاد اسم «ابو سعید خدری» را آوردند.

در وجاهت علمی آقایان این است که یک مرتبه آقای «ترشابی» از یکی از بینندگان اسامی چند تن از صحابه‌ای که شیعیان آن را قبول دارند، پرسید. زمانی که بیننده اسم «ابو سعید خدری» را برد، او پرسید «مگر شیعه «ابو سعید خدری» را قبول دارد؟! این هم وجاهت آقای «ترشابی» است که هنوز نمی‌داند شیعه کدام یک از اصحاب را قبول دارد.

نکته دوم حدیثی است که حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرماید:

«سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَوَاللَّهِ لَا تَسْأَلُونِي عَنْ فِئَةٍ تُضِلُّ مِائَةً وَ تَهْدِي مِائَةً إِلَّا أَنْبَأْتُكُمْ بِنَاعِقِهَا وَ سَائِقِهَا إِلَى يَوْمِ

الْقِيَامَةِ»

این روایت را برای آقای «پاچه بز» خواندند و او گفت: چه کسی این روایت را نقل کرده است؟! بیننده گفت: این روایت در کتاب «تفسیر القرآن» اثر «صنعانی» آمده است. ایشان به صراحت گفت: آقای «صنعانی» خیلی غلط کرده است که این حدیث را آورده است! وجاهت علمی کارشناسان وهابی در همین حد است که حتی به علمای خودشان هم رحم نمی‌کنند.

نکته سوم که خدمت شما داشتم، این است که در دوشنبه قبل از ایام غدیر یکی از علمای سلفی به نام «عبدالمجید مرادزی» که خود را یکی از بزرگ‌ترین انسان‌ها می‌داند، با «شبکه نور» تماس گرفت و گفت:

"اگر در روز غدیر خم صد و بیست هزار صحابه وجود داشتند، چرا هفتاد و پنج روز بعد یادشان رفت؟"

من خدمت آقای «عبدالمجید مرادزی» عرض کنم که حضرت استاد بهتر می‌دانند. جواب این سؤال را از آقای «غزالی» بگیرید که حب ریاست در آنها باعث شد که بر روز غدیر پایبند نبودند.

من دوست دارم که آقای «مرادزی» به آقای «امام محمد غزالی» مراجعه کنند که نتیجه کار دست آن‌هاست. همچنین از حضرت استاد خواهش می‌کنم که در این مورد توضیحات کوتاهی هم بفرمایند. ممنون و متشکرم.

مجری:

علی آقای عزیز در پناه حق باشید. آقای محمدی از کرج سلام علیکم و رحمة الله:

بیننده (آقای محمدی از کرج - شیعه):

سلام، حالتون خوبه. ببخشید می‌خواستم بپرسم آیه مباحله که استاد داشتند در مورد آن توضیح می‌دادند، آیه تطهیر را هم تفسیر کنند. برخی اهل سنت در آیه تطهیر می‌گویند: منظور پیغمبر اکرم در این آیه زنان پیغمبر اکرم است. به نظر بنده شاید همان تفسیر آیه تطهیر هم باشد، زیرا اهل سنت در آنجا می‌گویند که آن آیه در مورد همسران پیغمبر اکرم است. در این آیه «نساء» آمده است. اگر در آیه تطهیر زنان پیامبر منظور باشند در آیه مباحله هم پیامبر باید یکی از

همسران خود را همراه می‌آورد نه حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها را. استاد بازهم باید توضیح بدهند. ممنون و متشکرم.

مجری:

چشم، استاد توضیح خواهند داد. علی آقا از مشهد مقدس سلام علیکم و رحمة الله:

بیننده (علی آقا از مشهد مقدس - شیعه):

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت مجری محترم و جناب استاد قزوینی عزیز.

از برنامه خوب شما تشکر می‌کنیم. بسیار خوشحالم که با جناب قزوینی عزیز صحبت می‌کنم و از راه دور دستشان را می‌بوسم. جناب آقای قزوینی یک سؤالی خدمت شما داشتم که به واسطه آن می‌خواهم جواب و هایت را بدهم. آن‌ها ادعا می‌کنند که اگر پیغمبر اکرم علم غیب داشته است، چرا در بعضی روایات از بعضی مردم می‌پرسند که دین شما چه بوده است؟!

آن‌ها ادعا می‌کنند که اگر پیغمبر اکرم علم غیب داشت، آیا نمی‌دانستند که دین فلانی یهود بوده است یا مسلمان بوده است؟!

اگر اجازه بدهید من می‌خواهم جواب این افراد را با آیه‌ای از قرآن کریم بدهم. اگر شما آیه‌ای در این خصوص بیاورید تا بخوانم، خیلی عالی است. من می‌خواهم بگویم که اگر استدلال این افراد چنین باشد، نعوذ بالله خداوند هم از علم غیب خبر ندارد؟!

خداوند متعال در آیات ۴۰ و ۴۱ سبأ می‌فرماید:

(وَ يَوْمَ يَخْسِرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَ هَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيِّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا

يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ)

روزی که خداوند همه آنها را محشور می‌کند، سپس به فرشتگان می‌گوید: آیا این‌ها شما را پرستش می‌کردند؟! آنها می‌گویند: منزهی (از این نسبت‌های ناروا) تنها تو ولی ما هستی نه آنها، بلکه جن را پرستش می‌کردند، و اکثرشان به آنها ایمان داشتند!

سوره سپا (۳۴): آیات ۴۰ و ۴۱

اگر چنین باشد، ما باید بگوییم که آیا خداوند نمی‌دانست که جهنمیان چه چیزی می‌پرستیدند؟! چرا از فرشتگان سؤال می‌پرسند؟!

تشکر فراوان از برنامه خوبتان. اگر امکان دارد آقای «ابوالقاسمی» برنامه خود را شروع کنند، خدانگهدار.

مجری:

در پناه حق باشید، خدا نگهدارتان باشد. اتاق فرمان لطف کنید تماس بعدی تماس آخر باشد تا به پاسخ‌ها هم برسیم. آقای حیدری از شیراز سلام علیکم و رحمة الله:

بیننده (آقای حیدری از شیراز - شیعه):

جناب آقای حسینی محضر حضرتعالی و همینطور خدمت حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی سلام ویژه دارم. بسیار خوشحال و خرسندم که توانستم بعد از مدت‌ها صدای شما را بشنوم و با شما مکالمه‌ای داشته باشم.

جناب آقای حسینی من قاطعانه می‌توانم ادعا کنم که در طول این چند سال که بیننده قدیمی «شبکه جهانی ولایت» بودم، انصافاً مطالبی در این شبکه ارائه شد که بر معلومات ما افزوده شده است.

در مقابل شبکه‌های وهابی مزدورانی هستند و بنده ثابت خواهم کرد که این افراد مزدور هستند. دو مسئله سر راه ما هست؛ افرادی که به عنوان شیعه و مخالف روی خط شبکه‌های وهابی می‌روند روی این مسائل دقت بیشتری داشته باشند.

مورد اول را بنده تجربه کردم. تا زمانی که این افراد پشت خطی نداشته باشند و مطمئن باشند که غیر از آن بیننده کسی دیگر پشت خط نیست، مقداری سعی می‌کنند به بیننده‌ای که روی خط است وقت دهند تا بیننده بعدی جایگزین آن شود.

حال در این مدت توانایی آن بیننده را می‌سنجند و اگر احتمال می‌دهند که این بیننده توانایی دارد در مقابلشان باشد که با دست و پا و هر حرکتی که شده نمی‌گذارند که حرف خود را مطرح کند.

همچنین اگر احتمال دهند که بیننده از نظر علمی در سطح پایینی هست بالاخره مانورهای خود را می‌دهند. دیشب که بنده با شبکه‌های وهابی در تماس بودم، خیلی مانور می‌دادند و «آیت الله کمال حیدری» را آورده بودند. من به روایتی استناد کردم که آیت الله قزوینی بارها حدیث امام رضا را در مورد تعامل با اهل سنت فرموده بودند. همچنین فتوای آیت الله العظمی سیستانی در خصوص اهل سنت که گفتند: اهل سنت عزیزان ما هستند. من گفتم این روایات قوی‌تر از مطلبی است که آقای «کمال حیدری» گفت. بعد ایشان وارد سیاست شدند و من هم گفتم که وارد سیاست نشوید. بنده زمانی که شبکه «ملازاده» را نگاه می‌کردم، بیننده‌ای زنگ زد و علت اینکه آقای «ملازاده» از «شبکه رنگارنگ» و داور لامذهب قطع همکاری کرده بود را سوال کرد. ایشان چنین جواب دادند و گفتند: ما تمام مخارج «هاتبرد» را می‌دادیم و برنامه اجرا می‌کردیم. وهابی‌هایی که به ما پول می‌دادند، از ما فایل پیاده شده برنامه را می‌خواستند. این افراد ابتدا کاغذ را جلوی روی خود می‌گذارند و اسامی را یادداشت می‌کنند. صرفاً این حرکت نمایشی است تا این افراد بتوانند به اربابان خود ارجاع بدهند و بگویند مخالفین زیادی روی خط ما آمد و صحبت کردیم. آماری ارائه می‌دهند و طبق آن جیره‌ای که برایشان در نظر گرفتند را می‌دهند. گفت که آن آقا هم که از ایشان زرنگ‌تر بوده است، فایل پیاده شده را نمی‌داد و وهابی‌ها هم پول دادن را قطع کرده بودند. دقیقاً این موارد مصداق دارد. این افراد مزدور هستند و تکلیف مزدور هم روشن است.

از محضر آیت الله العظمی قزوینی هم عذرخواهی می‌کنم. خواهش می‌کنم بینندگانی که توانایی‌شان ضعیف‌تر است مدتی روی خط این افراد نروند تا ببینیم واکنش این افراد چیست و می‌خواهند چه پاسخی داشته باشند. از شما متشکرم. خدانگهدار.

در این چند دقیقه‌ای که از برنامه باقی مانده است به سراغ پاسخ سؤالات برویم. آقا محمد از پاکستان سؤال اولشان در مورد قمه زنی بود.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ایشان در رابطه با بحث قمه زنی مطالبی را مطرح کردند مبنی بر اینکه قمه زنی شرعاً چه حکمی دارد. ما بارها حکم قمه زنی را در اینجا مطرح کردیم. قبل از انقلاب هم در مورد بحث قمه زنی از ما سؤال می‌کردند و ما گفتیم: امروزه قمه زنی وهن اسلام و مذهب است و دشمن از قمه زنی سوء استفاده می‌کند. شما در ایام قمه زنی سایت‌هایی که متعلق به صهیونیست است را مشاهده کنید تا ببینید چه بساطی به راه می‌اندازند. وهابی‌ها چه تبلیغاتی علیه شیعه می‌کنند.

بنده در سال ۱۳۹۰ که در آمریکا بودم، در جنوب لس آنجلس خانمی بعد از جلسه نزد من آمد و گفت:

"برادرزاده یا خواهرزاده من اهل نماز و عبادت بود. وهابیت او را بردند و تعدادی از صحنه‌های قمه زنی را به او نشان دادند و گفتند کار شیعه آدم کشی است. اگر شیعه بتواند کسی را می‌کشد و اگر نتواند خود را می‌کشد."

این خانم می‌گفت: حال برادرزاده من وهابی شده است و هرکاری می‌کنیم از وهابیت برنمی‌گردد. دقت داشته باشید قمه زنی این اثرات سوء را دارد و هیچ شکی در آن نیست. امروزه اگر ما با دقت به موضوع قمه زنی نگاه کنیم، می‌بینیم که قمه زنی با توجه به تبلیغات گسترده‌ای که وهابیت دارند به حق چیزی نیست که بخواهیم آن را از شعائر اسلامی بدانیم.

این عقیده ما بوده است. همچنین از بزرگانی مانند «مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی»، آیت الله العظمی بهجت، آیت الله العظمی حکیم و آیت الله العظمی خوئی هم همین تعبیر آمده است و ما در گذشته فتاوی آن را نشان دادیم و معلوم شد آن‌ها موافق قمه زنی نبودند.

در مقابل کسانی که فتوا به جواز قمه زنی می‌دهند را نه تکفیر می‌کنیم، نه ناسزا می‌گوییم و نه اهانت می‌کنیم. نظر این افراد برای خودشان محترم است.

مقلدین آن‌ها در هر کشوری هستند اگر قمه زنی از دیدگاه قوانین آن کشور خلاف است، ما بارها گفتیم که رعایت مقررات هر کشور برای مسلمان به ویژه شیعه لازم الاجراست.

همانطور که زمانی که سر چهارراه وقتی چراغ قرمز است ماشین رد نمی‌شود، در اینطور قضایا اگر در یک کشور فتوا و نظر می‌دهند و قانون می‌گذارند مردم باید تابع آن قوانین باشند. اگر در ایران قانونی در رابطه با منع قمه زنی وجود دارد، باید همه تابع این نظریه باشیم.

هرکسی باید تابع نظر فقیه و مرجع خود باشد. ما مثل کسانی که قمه زنی می‌کنند و نسبت به بعضی از مراجع بزرگوار توهین و جسارت می‌کنند، این افراد را محکوم می‌کنیم.

ما صدها بار در اینجا گفتیم که دست تمامی مراجع را می‌بوسیم و به این بوسه هم افتخار می‌کنیم. اگر به فلان مرجع به خاطر اینکه برخلاف نظر مرجع من فتوا داده است اهانت کنیم، اخلاق علوی و مهدوی نیست. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«الراءُ علیهم کالراءُ علینا، و الراءُ علینا کالراءُ علی الله»

حاشیه الوافی، نویسنده: وحید بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل، محقق / مصحح: مؤسسة العلامة المجدد

الوحيد البهبهانی، ص ۱۸۳، باب الردّ علی ما ذکره صاحب الوافی من الطعن علی الفقهاء

مجری:

سؤال دومشان در مورد این بود که گفتند: قند خون دارند و نتوانستند روزه بگیرند و الآن هم نمی‌توانند روزه بگیرند. بحث شرعی آن به چه صورت است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

این سؤالات را باید از برنامه «زمزمه احکام» سؤال کنند. نظر کلی این است که اگر کسی نمی‌تواند روزه بگیرد برای هر روز آقایان مبلغی باید فدیة بدهد که آقایان مقدار آن مبلغ را معین کردند.

مجری:

علی آقا از خوزستان در مورد «ابو سعید خدری» پرسیدند و گفتند: یکی از بینندگان به یکی از شبکه‌های وهابی زنگ زدند و آن‌ها گفتند که شیعه هیچ صحابه ای را قبول ندارد. ایشان بحث «ابو سعید خدری» را مطرح کردند، اما کارشناس وهابی گفته است که شیعه او را قبول ندارد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما «ابو سعید خدری» را قبول داریم. ما روایات ایشان را در کتب فقهی بیان می‌کنیم و به نظرات ایشان عمل می‌کنیم. یکی از طرفندهای وهابیت این است که شیعه به غیر از چند تن از صحابه همگی را مرتد می‌داند.

این موارد همگی افترا به شیعه است. در کتاب «تبیان» اثر «شیخ طوسی» متوفای ۴۶۰ هجری وارد شده است:

«والشفاعة ثبت عندنا للنبي "ص" وكثير من أصحابه ولجميع الأئمة المعصومين»

ما از پیغمبر اکرم و بسیاری از صحابه و جمیع ائمه معصومین انتظار شفاعت داریم.

التبیان فی تفسیر القرآن، نویسنده: الشیخ الطوسی، ج ۱، ص ۲۱۴، ح ۴۶

با این وجود آیا درست است که ما حرف صحابه را قبول نداشته باشیم؟! همچنین در کتاب «خصال» اثر «شیخ صدوق» جلد ۲ صفحه ۶۳۹ وارد شده است:

"اصحاب پیغمبر اکرم هشت هزار نفر در مدینه بودند، دو هزار نفر در مکه و دو هزار نفر هم از طلقاء بودند و در میان آن‌ها کسی از قدریه و مرجئة نبوده است." به عبارت دیگر او می‌گوید: در میان دوازده هزار صحابه پیغمبر اکرم افراد منحرفی نبوده است.

نظر ما به صحابه نظر معتدل است. در کتاب «رجال» اثر «شیخ طوسی» اسامی صدها بلکه هزاران صحابه وارد شده است که ما از آن‌ها روایات داریم و فقهای ما به روایات آن‌ها عمل کرده‌اند. چنین نیست که بگوییم:

«الصحابة كلهم كذا!»

کسانی که در جنگ صفین و جنگ جمل و جنگ نهروان در رکاب امیرالمؤمنین بودند، برایشان ترضی می‌کنیم. کسانی که ثابت قدم ماندند و همچنین کسانی که در زمان پیغمبر اکرم به شهادت رسیدند برای ما محترم هستند.

مجری:

مطلب بعد ایشان این بود که کسی به شبکه‌های وهابی زنگ زده است و روایت «سلونی» از امیرالمؤمنین را مطرح کرده است و منبعی که این روایت در آن بیان شده است «تفسیر القرآن» اثر «صنعانی» بوده است. تعبیر کارشناس وهابی این بوده است که ایشان غلط کرده است چنین روایتی را در کتاب خود آورده است!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

من شاهد بودم که یکی از آقایان زنگ زد و روایتی از کتاب «صحیح بخاری» یا «صحیح مسلم» خواند و گفت یکی از صحابه به نام «زید بن أرقم» می‌گوید: زنان پیغمبر اکرم جزو صحابه نیستند. کارشناس وهابی در جواب گفت: او غلط کرده چنین مطلبی را گفته است!

او ادعا کرد که «مسلم» نقل کرده است، حال آنکه او معصوم نبوده است. گویا معصوم تنها خود این آقایان هستند! نه صحابه معصوم است، نه پیغمبر اکرم معصوم است، نه مؤلف «صحیح بخاری» معصوم است، نه «مسلم» معصوم است. یکی از آقایان باید زنگ می‌زد و می‌گفت: شما که خود چنین می‌گویید، آیا معصوم هستی یا معصوم نیستی؟!

مجری:

یکی از آقایان از ایران ادعا کرده است با شبکه‌های وهابی تماس می‌گیرد و هیچ مشکلی هم برای او به وجود نمی‌آید. نه بحث پیگیر حقوقی می‌شود که تعاون در جرم هست یا نیست یا شبکه‌های وهابی و سیاسی و معاند نظام. این شخص بحث‌هایی را مطرح می‌کند و بعد هم منکر آن می‌شود. او بحث‌هایی مطرح می‌کند مبنی بر اینکه اگر صحابه در آنجا بودند، چرا یادی از غدیر نکردند و همچنین مواردی را در شبکه‌های خود مطرح می‌کنند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما در ایام غدیر شاهد بودیم که این افراد به شبکه‌های وهابی رفتند و حرف‌هایی را مطرح کردند، سپس اعلام کردند ما در فضای مجازی توضیح می‌دهیم. این افراد توضیح ندادند، گیر افتادند و گفتند: ما چنین حرفی نزدیم. این افراد حرفی را می‌زنند و سپس در فضای مجازی وقتی گیر می‌افتند، می‌گویند که ما چنین حرفی را نزدیم!

این مسائل هم اصلاً به ما مربوط نیست. در این خصوص باید مراکز امنیتی کشور تصمیم بگیرند مبنی که این فرد شریک در جرم هست یا نیست. اگر شریک در جرم نباشد، دلیل بر آزادی در این مجموعه است بر خلاف سخن این شخص که می‌گوید هیچ آزادی برای اهل سنت نیست. یک اهل سنت به راحتی به آنجا می‌رود و با شبکه‌های وهابی که علناً اعلام می‌کنند هدف ما براندازی نظام جمهوری اسلامی است صحبت می‌کند.

شبکه‌های وهابی در همین ایام انتخابات برنامه‌های مختلفی داشتند که اصلاً صراحتاً گفتند: هدف ما از پخش این برنامه‌ها براندازی جمهوری اسلامی است. من کلیپ‌های این گزارشات را دارم، اما دیگر فرصت نیست که آن‌ها را پخش کنم.

مجری:

آقای محمدی از کرج گفتند که آیه مباحله و افرادی که نبی مکرم اسلام همراه خود بردند به نوعی تفسیر بر آیه تطهیر است که زنان را همراه خودشان نبردند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله، این هم توجیه خوبی است. البته ما اصلاً نیازی به بیان اینطور حرف‌ها نداریم. زمانی که ما شأن نزول را در کتاب «صحیح مسلم» و جاهای دیگر داریم، واضح و روشن است. «صحیح مسلم» به صراحت می‌گوید: زنان پیغمبر اکرم، اهلیت آن بزرگوار نبودند.

مجری:

علی آقا از مشهد گفتند: وهابیت می گویند اگر پیغمبر اکرم علم غیب می دانست، چرا از اصحاب خود سؤال می پرسید؟! ایشان در جواب گفتند: خداوند متعال هم در قرآن کریم سؤال پرسیدند و از حضرت عیسی هم سؤال پرسیدند. اگر صرف سؤال پرسیدن دلالت بر جهل داشته باشد، در اینجا نعوذ بالله اشکال دارد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خداوند متعال در سوره مبارکه مائده آیه ۱۱۶ به صراحت در رابطه با حضرت عیسی می فرماید: یا عیسی! آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را خدا قرار بدهید؟!

آیا خداوند می دانست و سؤال فرمود یا نمی دانست؟! این مطالب کاملاً واضح و روشن است. همچنین در سوره مبارکه فرقان وارد شده است:

(و یَوْمَ یُخْشِرُهُمْ وَ مَا یَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ فِیْ قَوْلٍ اَنْتُمْ اَضَلَلْتُمْ عِبَادِیْ هٰؤُلَاءِ اَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِیْلَ)

روزی که همه آنها و معبودانی را که غیر از خدا پرستش می کردند جمع می کند، و به آنها می گوید: آیا شما این بندگان مرا گمراه کردید یا خود گمراه شدند؟

سوره فرقان (۲۵): آیه ۱۷

خداوند عالم سؤال می پرسد. همچنین همانطور که این بیننده مطرح کردند، خداوند در سوره سبأ آیه ۴۰ می فرماید:

(و یَوْمَ یُخْشِرُهُمْ جَمِیْعاً ثُمَّ یَقُولُ لِلْمَلٰئِکَةِ اِهٰؤُلَاءِ اِیَّاكُمْ کَانُوا یَعْبُدُونَ قَالُوا سُبْحٰنَکَ اَنْتَ وَّلِیْنَا مِنْ دُوْنِهِمْ بَلْ کَانُوا

یَعْبُدُونَ الْجِنَّ اَکْثَرُهُمْ مِنْ مُّؤْمِنُوْنَ)

مشاهده کنید سؤال پرسیدن طبیعی است. خداوند عالم سؤال می پرسد:

(اَحْسِبَ النَّاسَ اَنْ یَّتْرَکُوْا اَنْ یَّقُوْلُوْا اٰمَنَّا وَ هُمْ لَا یَفْتَنُوْنَ)

آیا مردم گمان کردند به حال خود رها می شوند و آزمایش نخواهند شد؟!

سوره عنکبوت (۲۹): آیه ۹

خداوند عالم می‌داند، اما چرا سؤال می‌پرسد؟!

مجری:

آقای حیدری از شیراز هم تماس آخر بودند، گفتند: داشته‌های ما از «شبکه جهانی ولایت» است. خدا را شاکر هستیم اگر این چنین باشد.

شبکه‌های وهابی به کلام برخی از آقایان مانند «سید کمال حیدری» استناد می‌کنند که بسیاری از آن‌ها واقعاً تقطیع شده و بریده شده است. ایشان شبهه را مطرح می‌کند تا جواب بدهد که کلیپ‌های کامل برخی از این صحبت‌ها در فضای مجازی پخش شده است.

حضرت استاد از شما ممنونم. دعا بفرمایید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خدایا تو را قسم می‌دهیم به آبروی حضرت محمد و آل محمد فرج مولای ما حضرت بقیة الله الأعظم را نزدیک بگردان. خدایا قلب نازنینش را از ما راضی و خشنود بگردان. خدایا ما را مورد عنایات ویژه و دعا‌های خاص آن بزرگوار قرار بده. خدایا به آبروی محمد و آل محمد رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما. خدایا بر تمام بیماران به ویژه بیماران مورد نظر شفای عاجل کرم فرما.

خدایا به حق محمد و آل محمد حوائج حاجت مندان، حوائج این حقیر، حوائج دست اندرکاران «شبکه جهانی ولایت»، حوائج بینندگان عزیز به ویژه عزیزان ولایت یاور را برآورده نما. خدایا دعا‌های ما را به اجابت برسان.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته